

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۱۲

دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال آمریکاستیزی روسیه

فؤاد ایزدی^۱
مهدی متین جاوید^{۲*}

۱. استادیار گروه مطالعات آمریکای شمالی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانش آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

در دوره جنگ سرد مقابله با کمونیسم هدف اصلی دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال شوروی تلقی می‌شد اما با فروپاشی شوروی علت وجودی برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا از بین رفته و این کشور فاقد راهبرد مشخصی در حوزه دیپلماسی عمومی در قبال روسیه بود. این مقاله تلاش دارد با رویکردی تحلیلی، دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال آمریکا ستیزی روسیه در دوره پس از جنگ سرد را بررسی نماید. چارچوب نظری این مقاله، نظریه دیپلماسی عمومی نوین خواهد بود. در این مقاله آمریکا ستیزی به عنوان چالش اصلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال روسیه بررسی شده و نتیجه‌گیری می‌شود که برخلاف دوره جنگ سرد که اقدامات دیپلماسی عمومی آمریکا در چارچوب دیپلماسی عمومی سنتی این کشور دنبال می‌شد، در سال‌های اخیر این کشور با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی نوین درصدد مقابله با این چالش برآمده و با تشکیل کمیسیون مشترک ریاست جمهوری ایالات متحده و روسیه، تمهیدات و سیاست‌های جدید ایالات متحده در چارچوب دیپلماسی نوین این کشور و از طریق برنامه‌هایی نظیر همکاری در زمینه‌های رسانه، آموزش، امور ورزشی و تبادلات فرهنگی طرح‌ریزی و پیگیری شده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عمومی نوین، آمریکاستیزی، روسیه، ایالات متحده.

۴۵

دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

فؤاد ایزدی و همکار
دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال آمریکاستیزی روسیه

رویکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در دوران دو جنگ جهانی و جنگ سرد، عمدتاً تا حد زیادی مبتنی بر مدیریت بحران بود. با افزایش تنش‌های جنگ سرد و احتمال شکست آمریکا در عرصه جنگ افکار در مقابل تشکیلات تبلیغاتی اتحاد جماهیر شوروی، دولت آمریکا توانست کنگره را به ضرورت فعالیت صدای آمریکا متقاعد سازد اما پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی به نظر می‌رسید که علت وجودی سیاست‌های دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا از بین رفته است.

هنگام سقوط کمونیسم احساسات عموم مردم روسیه نسبت به آمریکا اغلب مثبت بود، اما با اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی این کشور، نگرش منفی همراه با بدبینی جایگزین آن شد؛ با مرور زمان، روسیه از هدف خود برای پیوستن به غرب صرف‌نظر کرد و تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ مستقل را آغاز نمود و آمریکاستیزی را به عنوان ابزاری استراتژیک در راستای اهداف داخلی و سیاست خارجی خود در دستور کار قرارداد. برخی تحلیلگران عدم تمایل آمریکا برای پذیرش روسیه به عنوان شریک برابر در عرصه بین‌الملل را دلیل گرایش‌ها و سیاست‌های ضدآمریکاگرایانه روزافزون این کشور قلمداد می‌کنند. تبلیغات ضد آمریکایی علاوه بر رسانه‌های دولتی یا تحت کنترل دولت روسیه از طرق دیگری نظیر جنبش‌ها و سازمان‌های جوانان تحت حمایت کرملین، اتاق‌های فکر، برنامه‌های مستند، فیلم‌ها و اینترنت دنبال می‌شود. در حال حاضر به نظر می‌رسد آمریکا ستیزی روسیه به چالش اصلی دیپلماسی عمومی آمریکا بدل شده است. هدف این پژوهش بررسی تحلیلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال آمریکا ستیزی روسیه در چارچوب نظریه دیپلماسی عمومی نوین می‌باشد. با توجه به اینکه تقریباً هیچ اثری اعم از مقاله و کتاب به زبان فارسی در خصوص دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال روسیه منتشر نشده، این مقاله تلاش دارد تا با بررسی و واکاوی این موضوع ادبیات این حوزه را غنی‌تر سازد. در این راستا ابتدا به تعریف دیپلماسی عمومی نوین و مسائل مفهومی و نظری اشاره می‌شود. در ادامه تاریخچه دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال روسیه مورد مطالعه قرار گرفته و سپس آمریکا ستیزی در روسیه پس از جنگ سرد مورد بحث قرار گرفته و در نهایت آمریکا ستیزی به عنوان چالش اصلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال روسیه مطرح شده و تمهیدات و سیاست‌های اتخاذ شده در مقابله با آن در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین بررسی می‌شود.

۱. چارچوب نظری: دیپلماسی عمومی نوین

در راستای بررسی و تحلیل دیپلماسی عمومی آمریکا ابتدا لازم است ابتدا خود مفهوم دیپلماسی عمومی از دیدگاه اندیشمندان این حوزه تعریف شده و به تفاوت کاربردی آن با برخی عبارات مشابه پرداخته شود تا بنیادهای مفهومی دیپلماسی این کشور تبیین گردد. ساده‌ترین تعریف دیپلماسی عمومی عبارت است از: «فرآیندی دولتی از برقراری ارتباط با مردمان خارج در راستای ایجاد فهمی از ایده‌ها و مطلوب‌ها، نهادها، فرهنگ و نیز اهداف سیاسی و خط‌مشی‌های ملت خود» (Tuch, 1990:8). به نظر کال، خود اصطلاح دیپلماسی عمومی، به نحوی یک تبلیغات به شمار می‌آید. (Cull, 2003) فیتز هو گرین^۱ اذعان می‌کند که دیپلماسی عمومی «یک حسن‌تعبیر از واژه‌ای است که آمریکایی‌ها امروزه از آن می‌ترسند؛ یعنی تبلیغات» (Green, 1988:8). در این راستا یان ملیسن^۲ خاطر نشان می‌سازد که: «دیپلماسی عمومی از آن جهت که تلاش می‌کند مردم را اقناع کند تا به گونه‌ای خاص بیندیشند، شبیه تبلیغات است؛ از سوی دیگر، چون دیپلماسی عمومی به حرف‌هایی که مردم برای گفتن دارند نیز گوش فرامی‌دهد، اساساً با آن متفاوت است» (Melissen, 2005a:18).

در این راستا «کمیسون مشورتی دیپلماسی عمومی ایالات متحده»، تصریح می‌کند: هدف اصلی دیپلماسی عمومی «ترویج سیاست‌ها» است. این کمیسون، دیپلماسی عمومی را چنین تعریف می‌کند: فرآیند «اطلاع‌رسانی، تعامل و تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای خارجی؛ به گونه‌ای که [مردم آن کشورها] در نتیجه این فعالیت‌ها، حکومت‌های خود را ترغیب کنند تا از سیاست‌های کلیدی آمریکا حمایت نمایند» (United States Advisory Commission on Public Diplomacy, 2005:2).

اندیشمندان و صاحب‌نظران بین دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی نوین تمایز قائل می‌شوند. ریانا و ویکرز^۳ تفاوت این دو مفهوم را مانند تفاوت آشکار بین فعالیت‌های اطلاعاتی داخلی و بین‌المللی، دیپلماسی سنتی با عمومی و همچنین بین دیپلماسی فرهنگی با مدیریت بازاریابی و خبری می‌داند. کنشگران دولتی و غیردولتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد از دیپلماسی عمومی نوین پیروی می‌کنند. دیپلماسی عمومی نوین بر قدرت نرم، ارتباطات دوسویه، دیپلماسی عمومی راهبردی، مدیریت اطلاعات، برجسب‌زنی و وجهه مجازی استوار است که به درونی کردن سیاست خارجی پرداخته و با مسائل کوتاه مدت و بلندمدت سروکار دارد. (Gilboa, 2006: 718).

در این راستا ایتان گیلبوا^۴ به این مطلب اشاره می‌کند که دیپلماسی عمومی نوین یک فعالیت دولتی صرف نبوده، بلکه در مقابل فعالیتی است که به عوامل دولتی و غیردولتی نظیر سازمان‌های غیردولتی، نهادهای آموزشی خصوصی، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی وابستگی متقابل دارد (ایزدی، ۱۳۹۰). به علاوه، این دیپلماسی شکلی از قدرت نرم است که از فنون ارتباطات دوسویه، دیپلماسی عمومی راهبردی، مدیریت اطلاعات، معرفی یک کشور خاص در قالب یک آگهی تلویزیونی و مدیریت تصاویر اینترنتی بهره می‌گیرد. به عقیده وی، دیپلماسی عمومی نوین سامانه‌ای ارتباطی است که برای ایجاد گفت‌وگو با دشمنان، دوستان و نیز هم‌پیمانان طراحی شده است. (Gilboa, 2006:718) یکی از مؤلفه‌های دیگر دیپلماسی عمومی نوین «از میان برداشتن تمایزاتی است که به‌طور سنتی میان فعالیت‌های اطلاعاتی بین‌المللی و داخلی وجود داشته است» (Vickers, 2004:191). به باور ملیسن، به علت تحولات انقلاب گونه‌ای که در فناوری ارتباطات رخ داده و نیز به سبب فشارهای جهانی شدن، جدا کردن ارتباطات داخلی از دیپلماسی عمومی که هدف آن ملت‌های خارجی است، به نحو فزاینده‌ای چالش‌برانگیز خواهد بود. (Melisen, 2005 a:12)

ملیسن مهم‌ترین تمایز میان دیپلماسی عمومی سنتی و دیپلماسی عمومی نوین را جهت‌گیری ارتباط می‌داند. درحالی‌که به لحاظ سنتی، دیپلماسی به‌طور کلی و دیپلماسی عمومی به‌طور خاص، در یک «الگوی سلسله‌مراتبی دولت‌محور» از روابط بین‌الملل دیده می‌شد، دیپلماسی عمومی نوین در «محیطی شبکه‌ای» عمل می‌کند؛ به نحوی که مردم فعالانه در دادن و گرفتن پیام مشارکت می‌کنند. (Melisen, 2005 a:12) این نکته شاهدهی بر نقش فعال عوامل غیردولتی، مانند سازمان‌های مردم‌نهاد در دیپلماسی عمومی است.

۲. تاریخچه دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال روسیه

دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال شوروی سابق تا زمان فروپاشی در چارچوب دیپلماسی عمومی سنتی این کشور قابل تحلیل و ارزیابی است. دیپلماسی عمومی از جنگ جهانی اول، هنگامی که وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، «کمیته اطلاعات عمومی»^۵ را به ریاست جورج کریل^۶ تأسیس کرد، همواره به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی مطرح بوده است. این سازمان، باهدف ترویج اهداف جنگی آمریکا در نقاط مختلف جهان پایه‌ریزی شده بود (Tuch, 1990). این نهاد هدف خود را گسترش آمریکایی‌گرایی

در سراسر دنیا قرار داده بود. فرانکلین دی. روزولت، دیگر رئیس‌جمهور آمریکا، دفتر اطلاعات جنگ را در آغاز جنگ جهانی دوم تأسیس و صدای آمریکا را نیز در فوریه ۱۹۴۲ راه‌اندازی کرد. در پی آن، دولت آمریکا رادیو آزادی و رادیو اروپای آزاد را نیز تأسیس نمود. این شبکه‌های رادیویی، شهروندان اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی را هدف قرار می‌دادند.

رویکرد اصلی دیپلماسی عمومی آمریکا در دوران دو جنگ جهانی و جنگ سرد تا حدود زیادی مبتنی بر مدیریت بحران بود (Vaughan, 2005; Cull, 2008). پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری در کنگره، به ویژه سناتور جی. ویلیام فولبرایت^۷، با ضرورت یک سازمان پخش بین‌المللی برنامه‌های رادیو-تلویزیونی در زمان صلح مخالفت ورزیدند. اما با افزایش تنش‌های جنگ سرد و احتمال شکست آمریکا در مقابل ابزار پیچیده تبلیغاتی اتحاد جماهیر شوروی، دولت آمریکا توانست کنگره را به ضرورت تأسیس صدای آمریکا متقاعد سازد (Osgood, 2002).

در همین راستا ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در سال ۱۹۵۰ «کمپین حقیقت» را برای مبارزه با تبلیغات کمونیسم راه‌اندازی کرد. در سال ۱۹۵۳، آیزنهاور، دیگر رئیس‌جمهور آمریکا، دستور تأسیس «آژانس اطلاعات ایالات متحده» را صادر کرد. درحالی‌که اجرای تبلیغات مخفی بر عهده سازمان سیا نهاده شده بود، آژانس اطلاعات ایالات متحده می‌بایست برنامه‌های ارتباطات عمومی مانند پخش بین‌المللی رادیو-تلویزیونی، برنامه‌های دفاتر فرهنگی و اطلاع‌رسانی آمریکا را در کشورهای خارجی مدیریت می‌کرد (Wang, 2007). گروهی از پژوهشگران و دیپلمات‌های آمریکایی، پس از ۱۹۴۵ اصرار می‌ورزیدند که آمریکا در مبارزه با کمونیسم، برای به تسخیر اذهان و قلوب ملل خارجه می‌بایست رویکردی تهاجمی در پیش گیرد. تبلیغات فرهنگی یکی از مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی عمومی آمریکا بود؛ عنصری که به ترویج سبک زندگی آمریکایی، تجلیل از ارزش‌ها و راه و رسم دموکراتیک و دفاع از سرمایه‌داری مصرفی می‌پرداخت. (Gienow-Hecht, 2002)

این اقدامات از آنچه نای آن را قدرت نرم می‌نامد، بهره می‌گرفتند (Nye, 2004). قدرت نرم به توانایی یک کشور برای ایجاد جاذبه بر مبنای افکار و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود اشاره دارد (Melissen, b 2005). در این زمینه، صدای آمریکا یکی از مهم‌ترین حربه‌های تأثیرگذار محسوب می‌شد. در این دوره آمریکا می‌کوشید تا از طریق رادیو اروپای آزاد (که در ۱۹۵۰ راه‌اندازی شد) و رادیو آزادسازی (که در ۱۹۵۳

راهاندازی شد و در ۱۹۶۴ نام آن به رادیو آزادی تغییر یافت)، با مردم اتحاد جماهیر شوروی به طور مستقیم ارتباط برقرار سازد. هدف چنین کوششی، فراهم کردن یک ضد تبلیغات در برابر پیام‌های ضد آمریکایی در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی بود. در دوره پس از جنگ سرد دولت کلینتون بودجه‌های دیپلماسی عمومی را قطع کرده و برنامه‌های تبادل فرهنگی را کاهش داد. کنگره در سال ۱۹۹۹، آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده را منحل و کار ویژه‌های آن در زمینه دیپلماسی عمومی را به وزارت خارجه منتقل کرد. به نظر می‌رسید با فروپاشی شوروی دیگر نیازی به دیپلماسی عمومی فعالانه در قبال روسیه احساس نمی‌شد.

در مبحث بعدی به گسترش آمریکا ستیزی در روسیه پس از جنگ سرد پرداخته می‌شود که باعث شد آمریکا در پی اتخاذ رویکرد جدیدی در قبال روسیه در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین خود برآمده و تمهیداتی را اتخاذ نماید که در بخش آخر بدان پرداخته می‌شود.

۳. آمریکا ستیزی در روسیه پس از جنگ سرد

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه در مقام وارث این ابرقدرت کمونیستی تلاش داشت تا به نوعی از همگرایی با غرب برسد ولی با مرور زمان، روسیه از هدف خود برای پیوستن به غرب صرف نظر کرد و تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ مستقل را دنبال نموده و آمریکا ستیزی را به عنوان ابزاری استراتژیک در راستای اهداف داخلی و سیاست خارجی در دستور کار خود قرارداد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹).

گفتنی است که آمریکا ستیزی پس از جنگ جهانی دوم همواره در میان نخبگان روسی به عنوان ابزار کارآمدی مطرح بوده است. جوزف استالین آمریکا را سمبل امپریالیسم دانسته و در تمامی سیاست‌های خود مخالفت با آمریکا را در اولویت قرار می‌داد. نیکیتا خروشچف همواره با بیان شعار معروف خود «ما شما را دفن خواهیم کرد» آمریکا ستیزی را ترویج می‌کرد. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بوریس گروشین جامعه‌شناس روسی دریافت که شهروندان طبقه متوسط روسی تصویر بسیار منفی از آمریکا در ذهن دارند (Shlapentokh, 2009).

پس از پایان جنگ سرد مدتی تبلیغات ضد آمریکایی کاهش یافت. اگرچه هنگام سقوط کمونیسم احساسات عموم مردم روسیه نسبت به آمریکا اغلب مثبت بود، اما خیلی زود نگرش منفی و بدبینی جایگزین آن شد. طی سال‌های گذار، به ویژه پس از بحران مالی

۱۹۹۸ در آسیا، کمونیست‌های سابق، تندرورها و ملی‌گرایان دیدگاه مبتنی بر نظریه توطئه شوروی مبنی بر اینکه غرب به رهبری آمریکا تلاش دارد ذخایر روسیه را به غارت برده، این کشور را تجزیه کرده و حوزه نفوذش را نادیده بگیرد را احیا کردند. در دوره یلتسین، آمریکا اعطای کمک‌های اقتصادی و فنی به منظور گذار روسیه به دموکراسی و بازارهای آزاد را تصویب کرده و به مرحله اجرا گذاشت. اما ناکامی روسیه در اصلاحات اقتصادی باعث نارضایتی عمومی در روسیه شده و نخبگان و افکار عمومی روسیه این امر را نتیجه رابطه با آمریکا و سیاست‌های این کشور و بانک جهانی تلقی می‌کردند (Cohen & Dale, 2010). برخی تحلیلگران آمریکایی معتقدند گسترش آمریکا ستیزی در روسیه ریشه در عقده‌های حقارت ناشی از شکست در جنگ سرد دارد. (Lukyanov, 2012a) تحلیلگران روسی هم عدم تمایل آمریکا برای پذیرش روسیه به عنوان شریک برابر در عرصه بین‌المللی را دلیل گرایش‌ها و سیاست‌های ضد آمریکایی رو به گسترش این کشور قلمداد می‌کنند. (Lukyanov, 2012b)

این روند در دوره پوتین ادامه یافته و این‌گونه عنوان می‌شد که روسیه قربانی نهادهای مالی بین‌المللی غربی تحت سلطه آمریکا شده که برای تضعیف این کشور و دسترسی به منابع طبیعی آن تلاش می‌کند (Cohen, 1997). این نگرش حاکی از یک استراتژی در دیپلماسی روسیه برای ایجاد یک ائتلاف جهانی ضد آمریکایی تلقی می‌شد. استراتژی مذکور کلیه کشورهایی که ایالات متحده را به عنوان ابرقدرتی تهاجمی و نماد تهدید تلقی می‌کنند، در برمی‌گیرد. (Gounev, 2012) در این راستا روسیه در داخل، آمریکا را عامل ناکامی سیاست‌های خود معرفی کرده و به منظور مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های داخلی خود بر شدت تبلیغات ضد آمریکایی خود افزوده است. به نظر می‌رسید بیگانه‌هراسی در شکل آمریکا ستیزی به عنصر اصلی ایدئولوژی روسیه تبدیل شده است (Shlapentokh, 2009).

با گسترش بحران مالی در اقتصاد جهان، مدودف آمریکا را به عنوان عامل این بحران معرفی کرد. (Kramer, 2008) پوتین تظاهرات اعتراض‌آمیز در مسکو پس از انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۲ را متوجه وزارت خارجه آمریکا ساخت. این امر حاکی از آن است که آمریکا ستیزی یکی از ارکان اساسی و بلندمدت دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی روسیه می‌باشد. (Dale, 2012) روسیه با استفاده از راهبرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی خود با تمسک به ابزارهایی نظیر گسترش رسانه‌های جمعی به عنوان مثال تلویزیون راشا تودی در جهت مقابله با غرب بالانخص

آمریکا گام برداشته است. تبلیغات ضد آمریکایی علاوه بر رسانه‌های دولتی یا تحت کنترل دولت روسیه از طرق دیگری نظیر جنبش‌ها و سازمان‌های جوانان تحت حمایت کرملین، اتاق‌های فکر، برنامه‌های مستند، فیلم‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌شود.

نظرسنجی‌ها حاکی از موفقیت رهبران روسیه در ارائه تصویری نامطلوب از آمریکا می‌باشد. طبق نظرسنجی مؤسسه پیو در سال ۲۰۰۹، ۶۲ درصد مردم روسیه نفوذ آمریکا را منفی ارزیابی کرده و فقط ۱۵ درصد آن را مثبت ارزیابی کردند. همچنین در نظرسنجی مشابهی که توسط بی بی سی صورت گرفت حاکی از آن است که ۶۵ درصد مردم روسیه نگرش منفی نسبت به آمریکا داشته، ۷ درصد نگرش مثبت و ۲۸ درصد هم نگرش خاصی ندارند (Cohen & Dale, 2010).

در این راستا «موسسه دموکراسی و همکاری» که در مسکو واقع شده، نهادی است که غرب را هدف قرار داده است. (Russia Today, 2009). نخستین اثر منتشرشده توسط این موسسه با عنوان «شبکه‌های نارنجی»^۸ برنامه‌ریزی و تأمین هزینه‌های انقلاب در جمهوری‌های پسا شوروی را متوجه کشورهای غربی بالخصوص آمریکا می‌کند. همچنین تلویزیون راشا تودی در سال ۲۰۰۵ تأسیس گردید و شبکه‌های مجزایی به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و عربی دارد و ۲۴ ساعته به پخش برنامه می‌پردازد (Ortung, 2010:7-10). از جمله سازمان‌ها و جنبش‌های جوانان تحت نفوذ دولت می‌توان جنبش نشی^۹، مارچینگ توگتر^{۱۰} و جنبش جوانان گارد روسیه متحد^{۱۱} - حزب سیاسی حاکم به رهبری پوتین - را نام برد. این سازمان‌ها به شدت طرفدار رژیم بوده و غالباً احساسات ضد آمریکایی را ترویج می‌کنند. دیمیتری مدودف در ۳ فوریه ۲۰۱۰ دستور تشکیل دو نهاد «بنیاد دیپلماسی عمومی الکساندر گورباچف»^{۱۲} و «شورای امور بین‌الملل روسیه»^{۱۳} را در راستای اهداف دیپلماسی عمومی روسیه صادر نمود. روسیه با تشکیل این نهادها به دنبال تقویت ساختارهای قدرت نرم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود می‌باشد. در بخش بعدی آمریکا ستیزی به عنوان چالش اصلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال روسیه اشاره شده و به اقدامات و تمهیدات اتخاذشده در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین این کشور پرداخته می‌شود.

۴. مقابله با آمریکا ستیزی روسیه در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین

ایالات متحده که در سال‌های پس از جنگ سرد فاقد یک دیپلماسی عمومی کارآمد در قبال روسیه بود، در سال‌های اخیر با موج احساسات ضد آمریکایی هم در سطح نخبگان و هم در سطح افکار عمومی روسیه مواجه شده است. در نظرسنجی که در ماه آگوست ۲۰۱۰ در روسیه انجام شد، پاسخ‌دهندگان ایالات متحده را به عنوان دشمن اصلی روسیه قلمداد کردند. در حال حاضر به نظر می‌رسد آمریکا برای مبارزه با آمریکا ستیزی روسی به دنبال تدوین استراتژی جدیدی در چارچوب دیپلماسی عمومی خود می‌باشد؛ یک استراتژی جامع که نه تنها توانایی‌های آمریکا را در نظر می‌گیرد، بلکه دستاوردهای حاصل از همکاری با بخش‌های خصوصی و غیرانتفاعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (Zatepilina, 2009: 156). این استراتژی جدید را می‌توان در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین این کشور تحلیل و ارزیابی کرد.

پیش از این فلیپ سیب^{۱۴} معتقد بود که علیرغم تأکید زیاد بر دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال جهان عرب، استراتژی واحدی در حوزه دیپلماسی عمومی در قبال روسیه اتخاذ نشده بود. وی دلیل این امر را تلقی روسیه به عنوان یک قدرت درجه دوم توسط آمریکا ارزیابی می‌کند. سیب اتخاذ یک استراتژی منسجم در قبال روسیه توسط کاخ سفید و وزارت امور خارجه را ضروری دانسته و بر بهره‌گیری از فناوری‌های رسانه‌ای جدید، ارتباط با اپوزیسیون خارج‌نشین روسیه، مشارکت بیشتر با شرکت‌های تجاری روسی، تبادلات فرهنگی، هنری و دانشجویی و ارتباطات غیردولتی تأکید می‌کند (Seib, 2010). سیاست «تنظیم مجدد»^{۱۵} اوباما در زمینه بهبود مناسبات آمریکا و روسیه از طریق گفتگو و تعامل متقابل را می‌توان در این چارچوب ارزیابی کرد (Dale, 2012). آمریکا به دنبال افزایش احساسات ضد آمریکایی در روسیه و سیاست‌های ضد آمریکایگرایانه دولت روسیه، همواره از نقض اصول دموکراتیک در روسیه، کنترل رسانه‌های خبری، عدم وجود آزادی‌های مدنی، افزایش نفوذ و کنترل دولت در جامعه، دخالت نیروهای امنیتی در همه امور کشور و از همه مهم‌تر از وضعیت بد و ناسالم انتخابات و نقض حقوق بشر توسط دولت در این کشور انتقاد کرده است. آمریکا همواره تلاش کرده است تا با استفاده از تمامی ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تمسک به ابزارهای دیپلماسی عمومی نوین روسیه را به سمت لیبرال دموکراسی هدایت نماید (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹).

البته در حال حاضر برخی اقدامات و برنامه‌ها در چارچوب دیپلماسی عمومی سنتی آمریکا کاهش یافته است. در این راستا «کمیسیون مشورتی ایالات متحده در خصوص

دیپلماسی عمومی» که در سال ۱۹۴۸ توسط کنگره آمریکا به منظور نظارت بر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی این کشور، تشکیل شده بود پس از سال‌ها فعالیت، مجوز ادامه فعالیت آن توسط کنگره تصویب نشد و در ماه دسامبر ۲۰۱۱ به کار خود خاتمه داده و دفتر خود را تعطیل کرد. (US Department of State, 2012) علیرغم اینکه قدرت نرم ایالات متحده در سال‌های اخیر بر نفوذ این کشور بر اذهان مردم جهان از طریق اخبار و رسانه‌ها استوار بوده است، بخش زیادی از برنامه‌های صدای آمریکا کاهش یافته و پخش برنامه‌ها برای اوکراین و گرجستان قطع شده است (کتابی، یزدانی و رضائی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). پخش برنامه‌های صدای آمریکا در روسیه نیز قطع شده و این شبکه فقط از طریق اینترنتی و تارنمای آن، در دسترس مخاطبان روسی است.

در پاسخ به این چالش فعالیت‌ها و اقدامات آمریکا در زمینه مقابله با آمریکا ستیزی در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین گسترش یافته است. بر همین اساس سازمان‌ها و اتاق‌های فکر در آمریکا بررسی و مطالعه این پدیده را در دستور کار قرار داده و راهبردها و راهکارهای مقابله با آن را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی، بنیاد هریتیج و کمیته هماهنگی سیاست‌ها در خصوص دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک را نام برد.

دیپلماسی عمومی نوین آمریکا، مردم روسیه خصوصاً گروه‌هایی که وفادار به لیبرال دموکراسی و آزادی‌های فردی هستند، را هدف قرار می‌دهد. پخش برنامه‌های بین‌المللی برای روسیه و اوراسیا مورد توجه کنگره آمریکا بوده است. دولت اوپاما بودجه پخش بین‌المللی شورای دولتی پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون آمریکا^{۱۶} را از ۷۰۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۹ به ۷۴۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش داد (Cohen & Dale, 2010) و در سال ۲۰۱۲ نیز ۷۵۴ میلیون دلار درخواست شده است (Broadcasting Board of Governors, 2012: 97).

یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا برنامه‌های تبادل دانشجو است تا بدین طریق دانشجویان روسی را در معرض شیوه زندگی آمریکایی قرار دهد و آن‌ها را با فرهنگ سیاسی و جامعه آمریکا آشنا سازد. در سال تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، دانشجویان روسی با رقم ۹۰۸،۴ نفر رتبه بیست و چهارم را در میان دانشجویان خارجی دانشگاه‌های آمریکا داشتند. ایالات متحده تلاش می‌کند در این حوزه اقدامات مؤثری انجام دهد. در این راستا «کمیسیون مشترک ریاست جمهوری ایالات متحده و روسیه»^{۱۷} توسط اوپاما و مدودف در ماه جولای سال ۲۰۰۹ با هدف بهبود مناسبات بین دو کشور، برخورد با

چالش‌های مشترک، جستجوی فرصت‌های جدید برای مشارکت در حوزه منافع ملی دو کشور و ارتقای گفتگو و تفاهم بین مردم دو کشور بنیان‌گذاری شد. این کمیسیون در حال حاضر از ۱۸ کارگروه تشکیل شده است (US State Department, 2012). تارا سوننشاین^{۱۸} معاون دیپلماسی عمومی وزیر امور خارجه آمریکا و میخائیل شویدکوی^{۱۹} نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه که مدیریت مشترک کارگروه آموزش، فرهنگ، ورزش و رسانه کمیسیون را بر عهده دارند در ماه آوریل سال ۲۰۱۲، در وزارت خارجه آمریکا دیدار کردند تا در خصوص برنامه‌های آتی برای همکاری میان دو کشور در زمینه‌های رسانه، آموزش، ورزش و تبادلات فرهنگی گفتگو نمایند. پیش از این‌ها یک یادداشت تفاهم در خصوص همکاری‌های آموزشی در راستای تقویت تبادلات آتی در فوریه سال ۲۰۱۲ امضا کرده بودند (US State Department, 2012).

آوریل کوهن^{۲۰} و هل دیل^{۲۱} برای مقابله با سیاست‌های ضدآمریکایرانی روسیه توصیه‌های دیل را با تأکید بر دیپلماسی عمومی نوین به دولت اوپاما و کنگره پیشنهاد می‌کنند که استراتژی ارتباطی جهانی از طریق شورای امنیت ملی آمریکا را توسعه داده و جهت مقابله با تبلیغات منفی روسیه، با تمرکز بر نخبگان و عموم مردم این کشور، باید برنامه‌های استراتژیکی را تدوین نماید. این تلاشها باید شامل پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و رادیویی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، ایجاد کانال‌های ماهواره‌ای روسی‌زبان برای کشورهای آسیای مرکزی، بهبود برنامه‌های تبادل تجاری و دانشجویی و افزایش حمایت از مطبوعات باشد؛ همچنین این کشور ارزیابی کامل و همه‌جانبه از عملیات اطلاعاتی روسیه در آمریکا داشته باشد. در این راستا آمریکا گستره و میزان تأثیر تبلیغات روسیه در رسانه‌های خود را ارزیابی کرده، پیامدهای استراتژیک آن را تحلیل و در صورت لزوم با اطلاعات نادرست مقابله کند (Cohen & Dale, 2010).

این توصیه‌ها و ارائه راهکارها از سوی صاحب‌نظران آمریکایی حاکی از اهمیت موضوع برای محافل مطالعاتی آمریکا می‌باشد. همان‌گونه که اشاره شد، مقابله با آمریکاستیزی نه تنها اولویت اصلی دیپلماسی عمومی نوین ایالات‌متحده در قبال روسیه تلقی شده؛ بلکه با گسترش احساسات ضد آمریکایی در سرتاسر جهان به نظر می‌رسد راهکارهای نرم دیپلماسی عمومی نوین این کشور جهت مقابله با این چالش در مورد سایر کشورها نیز مورد استفاده قرار بگیرد. به عبارت دیگر در صورت موفقیت برنامه‌های اتخاذ شده در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین در قبال روسیه، پیش‌بینی می‌شود این برنامه‌ها به طور گسترده در سایر نقاط جهان نیز به کار گرفته شود.

نتیجه گیری

جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل شاید به آن اندازه که خود روس‌ها تصور می‌کنند برجسته نباشد اما به هر صورت نسبت به ده سال گذشته بهبود یافته و ضمن برخورداری از استحکام درونی قدرت این کشور در عرصه بین‌الملل نیز افزایش یافته است. همچنین حرکت منسجمی از سوی روسیه جهت دستیابی به جایگاه برتر در نظام بین‌الملل صورت گرفته است (سنایی، ۱۳۸۹). در این راستا آمریکا هدف دیپلماسی عمومی خود را معطوف به مردم روسیه و اقمار سابق شوروی نموده است. آمریکا با استفاده از رویکرد نرم تلاش می‌کند با ایجاد تغییرات برنامه‌ریزی شده حکومت‌های طرفدار روسیه را در جمهوری‌های پیرامونی روسیه تغییر داده و به سمت استقرار دولت‌های طرفدار غرب در این کشورها حرکت نماید. در نتیجه این امر روسیه با استفاده از راهبرد آمریکا ستیزی در سیاست خارجی خود در جهت مقابله با آمریکا گام برداشته است.

سیاست‌های سیستماتیک ضد آمریکا گرایانه روسیه چالش اصلی دیپلماسی عمومی آمریکا در سال‌های اخیر بوده است. باراک اوباما با شعار تغییر روی کار آمده و این تغییر در سیاست خارجی آمریکا در روابط با روسیه با سیاست تنظیم مجدد روابط یا از نو آغاز کردن روابط با روسیه بروز یافت. در دوره اوباما، ایالات متحده در چارچوب دیپلماسی عمومی نوین خود سیاست‌هایی را اتخاذ کرده است. تمهیدات و سیاست‌های جدید ایالات متحده برخلاف دوره جنگ سرد که در چارچوب دیپلماسی ستی این کشور دنبال می‌شد در دوره پس از جنگ سرد و خصوصاً در سال‌های اخیر در چارچوب دیپلماسی نوین این کشور پیگیری شده است.

۵۶

دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

سال سوم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

1. Fitzhugh Green
2. Melissen
3. Rhianon Vickers
4. Eytan Gilboa
5. The Committee on Public Information
6. George Creel
7. J. William Fulbright (D-AR)
8. Orange Webs
9. Nashi
10. Marching together
11. Young Guard Youth Movement of United Russia
12. Alexander Gorchakov Public Diplomacy Foundation
13. Russian Council on International Affairs
14. Philip Seib
15. Reset
16. Broadcasting Board of Governors
17. US.-Russia Bilateral Presidential Commission (BPC)
18. Tara Sonenshine
19. Mikhail Shvydkoy
20. Ariel Cohen
21. Helle Dale

منابع

- ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰)، *دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سنایی، مهدی (۱۳۸۹)، «روابط آمریکا و روسیه در دوره اوباما: تقابل یا تعامل»، *ایراس*. ۱۴ اردیبهشت، قابل دسترس در <http://www.iras.ir/vdcccpiqs.2bqs081aa2.html?11245>
- کتابی، محمود؛ یزدانی، عنایت‌الله و مسعود رضائی (۱۳۹۱)، «قدرت نرم و راهبرد هژمونیک‌گرایی آمریکا»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*. سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، «ماهیت، ابعاد و راهکارهای قدرت نرم روسیه»، *دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا*. شماره ۳۰، مرداد و شهریور.
- Broadcasting Board of Governors (2012), **Fiscal Year 2012 Budget Request**. available at: <http://www.bbg.gov/about-the-agency/research-reports/budget-submissions/>
- Cohen, Ariel (1997), "The 'Primakov Doctrine': Russia's Zero-Sum Game with the United States," **Heritage Foundation** F.Y.I, No.167, December 15.
- Cohen, Ariel & Helle C. Dale (2010), "Russian Anti-Americanism: A Priority Target for U.S. Public Diplomacy", **Heritage Foundation**, Backgrounder, No. 2373, February 24.
- Cull, Nicholas J. (2008), **Public Diplomacy' before Gullion: The Evolution of Phrase**. Los Angeles, CA: USC Center on Public Diplomacy.
- Dale, Helle (2012), **From Russia with Hate: Anti-Americanism Ram-**

pant in Putin's Kremlin, The Foundry, April 23, Available at: <http://blog.heritage.org/2012/04/23/from-russia-with-hate-anti-americanism-rampant-in-putins-kremlin/>

- Gienow-Hecht, Jessica C. E. (2002), "Cultural Imperialism." In: **Encyclopedia of American Foreign Policy**. edited by Richard Dean Burns, Alexander DeConde and Fredrik Logevall, 397-408. New York: Charles Scribner's Sons.

- Gilboa, Eytan (2008), **Searching for a Theory of Public Diplomacy**. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 616: 55

- Gilboa, Eytan (2006), "Public Diplomacy: The Missing Component in Israel's Foreign Policy," **Israel Affairs**.12, No. 4, 715-747.

- Gounev, Georgy (2012), "Vladimir Putin and the Future of Russian Anti-Americanism," **American Thinker**, March 24, Available at: http://www.americanthinker.com/2012/03/vladimir_putin_and_the_future_of_the_russian_anti_americanism.html

- Green, Fitzhugh (1988), **American Propaganda Abroad**. New York: Hippocrene Books.

- Kramer, Andrew E. (2008), "Moscow Says U.S. Leadership Era Is Ending," **The New York Times**. October 2.

- Lukyanov, Fyodor (2012a), **Uncertain World: Anti-Americanism in Russia**, February 9, See: <http://en.rian.ru/columnists/20120209/171216917.html>.

- Lukyanov, Fyodor (2012b), "Why is Russia anti-American?" **Russia Today**. February 24, See: <http://rt.com/politics/columns/unpredictable-world-foreign-lukyanov/russia-usa-america-putin/>

- Melissen, Jan (2005a), "The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice." In: **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**. New York: Palgrave MacMillan.

- Melissen, Jan (2005 b), **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**. New York: Palgrave MacMillan.

- Nye, Joseph S. (2004 a), "The Decline of America's Soft Power." **Foreign Affairs**. 83, no. 3 (2004): 16-20.

- Nye, Joseph S. (2004 b), **Soft Power: The Means to Success in World**

Politics. New York: Public Affairs.

- Orttung, Robert W. (2010) "Russia's Use of PR as a Foreign Policy Tool," **Russian Analytical Digest**. No. 81, 16 June.

- Osgood, Kenneth A. (2002), "Propaganda." **Encyclopedia of American Foreign Policy**. edited by Richard Dean Burns, Alexander DeConde and Fredrik Logevall, 239-54. New York: Charles Scribner's Sons.

- **Russia Today** (2009), "Did Western Spider Spin Orange Web?" April 18, 2008, at

- http://www.russiatoday.ru/Art_and_Fun/20080418/Did_Western_spider_spin_Orange_Web.html (November 23, 2009).

- Seib, Philip (2010), **U.S. Needs a New Public Diplomacy Strategy for Russia**. Available at: http://www.huffingtonpost.com/philip-seib/us-needs-a-new-public-dip_b_571159.html

- Shlapentokh, Vladimir (2009), "Russian Anti-Americanism," **The New York Times**. October 5, See: <http://www.nytimes.com/2009/10/06/opinion/06iht-edshlapentokh.html>.

- Snow, Nancy. (2006), "U.S. Public Diplomacy: Its History, Problems, and Promise," In **Readings in Propaganda and Persuasion**. New and Classic Essays, edited by Garth S. Jowett and Victoria O'Donnell, 225-41. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Tuch, Hans (1990), **Communicating with the World**. New York: St. Martin's Press.

- US Department of State (2012), **United States Advisory Commission on Public Diplomacy**. at <http://www.state.gov/pdcommission/index.htm>.

- US State Department (2012), **Meeting with Russian Special Presidential Representative**. Office of the Spokesperson, April 10, Available at: <http://www.scoop.co.nz/stories/WO1204/S00158/meeting-with-russian-special-presidential-representative.htm>.

- United States Advisory Commission on Public Diplomacy (2005), **United States Advisory Commission on Public Diplomacy**. 2005 Report (Washington, DC: United States Advisory Commission on Public Diplomacy

- Vaughan, James R. (2005), **The Failure of American and British Propaganda**.

ganda in the Arab Middle East. 1945-57: Unconquerable Minds, New York: Palgrave Macmillan.

- Vickers, Rhiannon (2004), "The New Public Diplomacy: Britain and Canada Compared," **British Journal of Politics and International Relations.** Vol.6, No.2.

- Wang, Jian. (2007), "Telling the American Story to the World: The Purpose of U.S. Public Diplomacy in Historical Perspective." **Public Relations Review.** 33, No. 1: 21-30.

- Zatepilina, Olga (2009), "Non-state Ambassadors: NGOs' Contribution to America's Public Diplomacy," **Place Branding and Public Diplomacy.** Vol. 5, 2, 156-168.

۶۱

دوفصلنامه مطالعات
قدرت نرم

دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال آمریکا استیزی روسیه
فواد ایزدی و همکار





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی